

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

دگرمن احمد قندهاری .

۰۲ مارچ ۲۰۱۷

به ادامه ملا «محمد» چه کسی بود؟

طبق معمول مروری بر سایت های الکترونیک داشتم که نظرم را قسمت سوم مقاله تکمیلی تاریخی ، جناب «معصوم هوتک» که طبق فرموده نویسنده محترم به گفته عوام وطندار «همشهری» هستیم به محتوای مضمون معطوف نمود. جناب محترم «هوتک» صاحب برگوشه های از زوایای نبشته این قلم تکیه بر استناد های محلی و مردمی جهت آگاهی خوانندگان محترم در شناخت به شهر باستانی و تاریخ زای قندهار روشنی مبسوطی انداخته اند، با آنهم خواستم بر نقاط ذیل مکتبی داشته باشم :

از دسیسه «انگلیسها» در شهر باستانی قندهار که در نبشته قبلی ام تذکار داده بودم ، نخواستم به تفصیل از آن حادثه ضد ملی و قومی یادآور شوم ، ولی جناب محترم «هوتک» به تفصیل از آن یاد آور گردیده اند که در خور ستایش می باشد در کتاب «افغانستان در مسیر تاریخ» روانشاد غبار دسیسه سبوتاژی انگلیس ها در شهر قندهار ریالیستیک نبوده و کمی اشتباه شده به ارتباط واقعه سبوتاژی می نویسند : جلد اول صفحه ۷۶۲ (پس پسرک بیگناهی را از پیروان حنفی کشته و در سراچه سید نورمحمد شاه خان قزلباش در زیر انبار حیوانات دفن شد ، از دیگر طرف در شهر قندهار به غلط تبلیغ شد که قزلباشان شهر این پسرک سنی را به تعصب مذهبی بکشتند.) نخست سید نورمحمد شاه از اهل سادات بود نه قزلباش ثانیاً جسد پسرک شهید در انبار خانه میرزا قربان دفن شده بود . این قلم موضوع را با پوهاند میر حسین شاه خان طرح نمودم جناب ایشان از این اشتباه را بدون آن که دلایل را بدانند تأیید نمود و فرمودند که من از ابتداء متوجه شده بودم ، و راجع به تصحیح موضوع خاموش بودند . ولی جناب «هوتک صاحب» آن حادثه سبوتاژ انگلیسیها را دقیق و حقیقی تشریح نموده که ممنون ایشان نه تنها این قلم بل همه روشنفکران قندهاری می باید باشند چه در تصحیح موضوع مؤثریت تاریخی دارد. اما بعد :

نخست از این که میرزا قربان بولکی را من حیث پسر به ملا «محمد اخوند» نسبت می دهد فکر می شود که اشتباه صورت گرفته و این اشتباه من بود که اسم پسر ملا «محمد» را تذکار نداده بودم .

اسم پسر بزرگ آخوند ملا «محمد» «عبدالرؤف» می باشد و دبیر خزانه دولتی انزمان بود . مگر نویسنده به عوض خزانه در مورد از بولک تعریف خاصی شرح داده که قابل پذیرش تاریخی می باشد . بولک حوزه یا ناحیه جمع آوری مالیاتی بوده که ممکن از کلمه (block) انگلیسی مشتق شده باشد . مگر خزانه دولتی یک تشکیل جداگانه در تشکل دولتی آنزمان بود ، چون سیستم بانکی تا آنزمان در افغانستان تأسیس نشده بود و پول مروجه سکه های ضربی طلا و

نقره بود که در خزانه دولتی در خریطه ها و صندوق ها که «بخدان» نامیده می شد محافظت می گردید. محافظ و حسابدار آن به نام خزانه دار مسمی بود. پسر ملا «محمد» دبیر همین خزانه بود.

روانشاد غبار در اثر گرانیهایش (افغانستان در مسیر تاریخ) از مسکوکات مروجۀ آنزمان و ارزش آنها مفصلاً صحبت و آن را ثبت تاریخ نموده است.

«عبدالرؤف» فرزند برومند ملا «محمد آخوند» در آن روز شوم که دفاتر دولتی از جانب نائب الحکومۀ قندهار «خوشدل خان لویناب» مسنود گردیده بود؛ از دفتر کارش که در ارگ ولایت موقعیت داشت در بین راه رفتن به منزلش که در کوچه شیرعلی خان بود در حال رسیدن به منزل در چهارسوق قندهار مورد حمله شورشیان قرار می گیرد و به شهادت می رسد؛ که طبق داستان های محاسن سفیدان قومی اشخاص شورشی هویت نامعلوم داشتند و این اوباشان نامعلوم و بی هویت جاسوسان گماشته شده انگلیس ها بودند که از آنطرف سرحد استخدام و گماشته شده بودند. تعداد شهیدان این توطئه هشتاد نفر گفته شده که یک عده آن ها در چوک شهیدان و عده زیاد آن ها در یک قبر دسته جمعی به استقامت جنوب چوک شهیدان در کنار سرک دفن شده اند و تا سالیان آخر دارای قفسچۀ چوبی و شمعدانی (محلی که به یاد این شهیدان مردم به عرف اعتقادی شان در شب های جمعه شمع روشن می نمودند) بر جا بود. ولی اکنون با آمدن انگلیس و القاعده این عابده یادگاری تخریب و اثری از آن دیده نمی شود.

نقطه دوم: حادثۀ کشته شدن خود میرزا قربانعلی بوده که این قلم را وادار نمود تا مکتبی تکمیلی برآن داشته باشم: داستان نقل شده ازروانشاد «طالب حسین» قندهاری (شاعر و ادیب والای زبان دری و پشتو) می باشد که سینه به سینه در بین مردم محل حفظ خاطره ها گردیده است.

روانشاد «طالب حسین» قندهاری در آوان کودکی و نوجوانی تحت نظر و تربیت مرحوم «سید عبدالجواد آقا» بوده و در منزل سید روحانی زندگی می کرد، منزل «سید عبدالجواد آقا» در محله طویله شاهی مقابل ارگ دولتی موقعیت دارد و اکنون به مخروبه مبدل گشته، طالب قندهاری قصه می کند که من ناظر صحنه های بلوا و چور بودم. وقتی خبر به لویناب می رسد امر دستگیری میرزا قربان را می دهد و امر می کند که وی را نزد قاضی شهر ببرید، در بین راه محکمه، میرزا «قربانعلی» توسط یک شخص ناشناس و مجهول الهویه به تبرزین مورد حمله قرار می گیرد و به شهادت می رسد. محل دفن میرزا «قربان» در تکیه پیر غلامعلی شاه «پیردکنی» تا اکنون با داشتن لوحه سنگ سفید ایستاده موجود می باشد و داستان کشته شدنش به شعر بروی لوحه سنگ مزارش با تاریخ شهادت حک است.

جای تاسف اینجاست: تکیه «پیردکنی» که زمینش به هدایت و فرمان «احمد شاه ابدالی» بنیانگذار شهر باستانی قندهار به مساحه «۶۰» جریب به نام صابرشاه کابلی تملیک گردیده و صابر شاه کابلی که در تاج گذاری احمد شابابا، با نصب خوشه گندم من حیث سمبول تاج پادشاهی نقش والائی دارد؛ به «پیر دکنی» مرشدش که همان پیر غلامعلی شاه می باشد برای بست دربار روحانیت و مقبره آینده اش وقف می نماید.

طوری که جناب «هوتک» اشاره نموده که شامی و مسجد در آن محل بنا گردیده، ولی به اثر جنگهای دوران مقاومت نه از مسجد و نه هم از سربیزی آن محل اثری دیده می شود. و بعداً هم از بی توجهی حکومت های پاتک سالار و پوشالی به مخروبه و محل جمع آوری خاکروبه و زبالدانی کثافات شهری مبدل گشته است.

موضوع اضافه گوئی نخواهد بود اگر از سیمای تصویری قبلی محوطه پیر «غلامعلی شاه» در زمان های نچندان دور تفصیلی خدمت خوانندگان عزیز تقدیم بدارم. تکیه «پیردکنی» در قسمت بیرونی قلعه شهر قندهار مقابل دروازه توپخانه موقعیت دارد که قبل از پنج دهه جنگ خانمانسوز دارای خیابان های پیاده رو که به بته های گل های گلاب رنگی، بته های نسترن، ارغوان زرد، بته های چنبیلی زرد و سفید که بوی عطرش در بهار سال از مسافتات دور به

مشام می رسید ، تزئین شده بود به علاوه درخت های تاخوم ، توت و صبر به سرسبزی این پارک قبرستانی افزوده بود و در یک کنج تکیه به جوار شامی و مسجد حوض آب بازی به عمق و مساحت استندرد حفر و اعمار شده بود به علاوه چاه آب نوشیدنی .

«احمد شاه ابدالی» توسط معمارانش برای شهر نو تأسیس قندهار شبکه آبیاری به خصوصی برای سرسبزی شهر تأسیس و اعمار نموده بود و حقایقه شهر تعیین بود که حوض تکیه « پیردکنی » از همین شبکه آبیاری شهر به اساس سهم حقایقه اش آب پر می شد.

متأسفانه که هیچ مرجع مسؤولی به این نشانه تاریخی و یادگار « احمد شاه بابا » کبیر جهت بازسازی مجدد آن توجه نمی کند .

همان طوری که در زمان حکومت فاسد و پوسیده ظاهرشاه و داوود شاه قلعه تاریخی شهر که معماری خاصی داشت به بهانه وسعت بخشیدن شهر تخریب شد و قبل از آن قلعه چهارسوق مرکز شهر توسط سرداران مستبد و خودخواه و بی دانش تخریب گردید .

این یک ضربه بزرگی بود بر صنعت جهانگردی و توریزم شهر باستانی قندهار .

نقطه سوم که باید برآن روشنی انداخت محل بودوباش میرزا « قربان » در کوچه چوک توپخانه توسط نویسنده محترم « هوتک صاحب » تذکار داده شده کاملاً صحیح می باشد از این که می نویسند که نام این کوچه بعداً به کوچه قبرشاه «احمدشبابا» تغییر نام شده به نظرم نویسنده در مورد اشتباه کرده باشد ، چراکه کوچه قبرشاه از همان اول بعد از فوت و دفن « احمدشبابا » مسمی به کوچه قبرشاه توسط مردم نامگذاری شده و تا هنوز به همان نام شهرت دارد . و کوچه چوک توپخانه از کوچه قبرشاه به فاصله ممکن صد متر به طرف غرب بازار موقعیت دارد .

نظر به گفته مؤرخین و خبرگان توپخانه، در بین دروازه عیدگاه و دروازه توپخانه به داخل قلعه موقعیت دارد که این محل من حیث کارخانه برای ساختن توپ و لوازم حربی بنا شده بود و در یک کنج آن نزدیک به دیوار قلعه محل باروت خانه و باروت سازی بوده بناءً این قسمت شهر به نام توپخانه مسمی گردیده ، در این محل که ربع شهر قندهار را در بر می گیرد تنها پارسی زبانان زیست ندارند بل پشتو زبانان و پارسی زبانان که از اقوام مختلف متشکل هستند در پهلوی همدیگر برادر وار زیسته اند و در غم و شادی همدیگر شریک هستند . در بین پارسی زبانان قندهار یک فامیل به نام فامیل باروت سازان شهرت دارند که پیشه این خانواده باروت سازی و آتشبازی سازی بوده . مگر با از بین رفتن بزرگان و استادان آنها صنعت باروت سازی و آتشبازی سازی هم از صف افتخارات بیشه وری ما نابود گردید . در مورد شهر باستانی قندهار مؤرخین محترم چند رساله ، کتاب و مقالات پر محتوای تاریخی به نشر سپرده شده ولی با آنهم زوایای مشخص کرونولوژی و مهندسی جغرافیائی ، تاریخی شهر و باشندگان آن به طور مشخص شرح داده نشده که به سعی و تلاش مؤرخین و اهل خبره ضرورت مبرم احساس می گردد . آرزومندم این مختصر ممد نیشته های تاریخی جناب «هوتک صاحب» شده باشد .

یاداشت : در باره تاریخچه شهر قندهار مقاله مفصلی توسط پوهاند میرحسین شاه خان در سایت الکترونی «کابل ناتیه» نشر گردیده است.

به امید آزادی وطن و فردای بهتر وطندارانم .

۲۰۱۷/۲۸/۲